# جرعه‌های معرفت

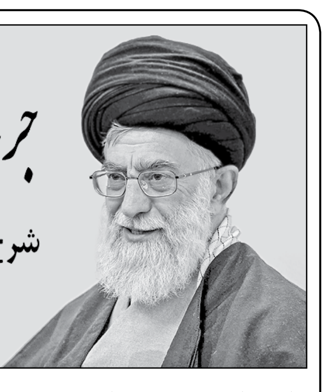

شرح حدیث معصومین(ع)
در کلام رهبر انقلاب

## اموال خود را چگونه مصرف کنیم؟

**اِجعَلِ الدّنیا دِرهَمَین** [1]

این دنباله فرمایشـــات جناب ابی‌ذر است. می‌فرماید که همه دنیا را دِرهَمَین [یعنی دو درهم] قرار بده؛

دِرهَماً أَنفَقتَهُ عَلَی عیَالِـک وَ دِرهَماً قَدَّمتَهُ لِآخِرَتِک؛ یعنی همه موجودی خودت از دنیا -آنچه که از مال دنیا به دســـت می‌آوری- را به دو قسم تقسیم کن؛ قسم سومی نداشته باشد.

یک قسم آنچه که صرف می‌کنی برای زندگی خودت و عیالت که این یک امر لازم و واجبی است و باید انجام بدهی.یک قسم هم آنچه که خرج می‌کنی برای آخرتت.

وَ الثّالِثُ یُضِرّ وَ لَا یَنفَع لَا تُرِدهُ؛ اگر شـــق سومی، راه سومی برای خرج پیدا کردی، این ضرر می‌زند و فایده نمی‌رساند. «لَا تُرِدهُ» دنبال آن نرو، آن را اراده نکن.

حالا فرض بفرمایید این کارهای تشـــریفاتی زائدی که متأسفانه در بین مردم معمول است، انواع زوائد در زندگی ماها متأسفانه رایج اســـت؛ در میان طبقات مختلف مردم؛ حالا چه مترفین و پولدارها و کسانی که مملو از مال دنیا هستند، چه حتی طبقات متوسط و آنهایی که دستشان برسد.

زوائد زیادی در زندگی هست، خرج می‌کنند، از سفر برمی‌گردند، خرج‌های زائد می‌کنند، عروســـی می‌کنند، در عـــزا خرج‌های زائد می‌کنند، که نه خیر آن به امور اداره معیشـــت زندگی‌شـــان -اهل و عیال و زندگی متعارف مردم- می‌خورد، نه هم در راه خدا است؛ هیچ، تشریفات محض، اسراف محض.

می‌فرماید این آنی است که ضرر می‌رساند.

* شرح حدیث در ابتدای درس خارج ، ۹۴/۲/۴
* پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب

۱) الشـــافی، ص ۸۶۸ [قال ابوذر رحمه الله: اجعـــل الدّنیا درهمین: درهما أنفقته علی عیالک و درهما قدّمته لآخرتک و الثّالث یضرّ و لا ینفع، لا ترده؛ دنیا را در دو درهم خلاصه کن: یک درهم، برای خانواده‌ات نگاه دار و درهم دیگر را برای آخرتت پیش فرست و بدان که، درهم سوم، تنها برایت زیان دارد، نه سود و هیچگاه به آن نیاز پیدا نخواهی کرد].

# با خورشید انقلاب
## (خاطراتی از رهبر معظم انقلاب)

## چه ایرادی دارد یاران انقلاب بیشتر باشند؟

وقتی رهبر معظم انقلاب را به ایرانشـــهر تبعید کردند، ما اولین بار بین دو ترم دانشـــگاه در بهمن ۵۶ بود که با یکی دو نفر از هم دانشگاهی‌ها و دوستان به ایرانشهر آمدیم. یک کیف هم همراهمان بود که محتویات آن، اعلامیه‌های جدید و چند کتاب بود. یک پاسبانی دم در ایســـتاده بود و از ما پرســـید: شما با کی کار دارید؟ گفتیم با آقای خامنه‌ای؛ گفت باید بروید شهربانی ابراز هویت شوید. کیف را از دیوار انداختیم درون خانه آقا و به سمت شهربانی رفتیم. در مسیر دیدیم که آقای هاشمی‌نژاد و آقای طبسی و آقای حجتی کرمانی و یک نفر دیگر به طرف خانه می‌آمدند که ما از روبه‌رو با آنها مواجه شـــدیم. ما حدود یک هفته‌ای مهمان آقا بودیم، سفر خیلی خوبی بود، اما خدمت آقا که بودیم، یک سری اعلامیه‌های جدید هم برای ایشـــان آورده بودیم که ایشان هم دیدند. از جمله آنها، اعلامیه‌ها و کتاب‌هایی بود که گروه فرقان، نوشته و بعضی از سوره‌های قرآن را تفسیر کرده بودند. آقا تورقی کردند و از همان صفحه اول کتاب ایراد گرفتند. ایشان گفتند اینها هرکسی هستند، خیلی بی‌سواد هستند و از دین و اسلام چیزی نمی‌دانند. مثلاً گروه فرقان، عبدالله‌بن ابی را با یک عبدالله دیگر اشتباه گرفته بود. خلاصه از همان صفحه اول چند ایراد گرفتند، اعلامیه گروه فرقان را هم خواندند که اعلامیه بدی بود، مثلاً در آن آمده بود که در مبارزه با رژیم، نمی‌شود که بازاری و روحانی و دانشجو و کسبه باهم متحد باشند، بلکه مبارزه، مردان آبدیده می‌خواهد و این‌گونه مبارزه، مشت کوبیدن بر سندان است، آقا اما گفتند که در این انقلاب هرچه یاران ما بیشتر باشد این چه ایرادی دارد؟ چه کسی گفته که یک گروه خاصی باید باشند؟ البته آقا همیشـــه در جواب کسانی که معتقد بودند که در مبارزه، چپ و مسلمان نداریم و همه گروه‌های مبارز باید به هم بپیوندیم، مخالف بودند و می‌گفتند که راه ما باید با گروه‌هایی مثل کمونیست‌ها جدا باشـــد و باید حریم‌ها حفظ شـــود. مثلاً من یک کتابی به نام مبانی علم اقتصاد از رفسنجان تهیه کرده بودم که جلد قرمزی هم داشت، ایـــن کتاب را به ایرانشـــهر بردم و به آقـــا دادم. آقا تورقی کردند و گفتند که این کتاب خلاصه «کاپیتال» مارکس است. آقا می‌گفتند راه ما جداســـت. مکتب ما اسلام است و همیشه پرچم اسلام برای ما مهم‌تر است.

(آقای علی‌اصغر پورمحمدی- به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای)

# استفتاء
## از رهبر معظم انقلاب اسلامی

### برگزاری مراسم زنانه همراه با رقص

**س): در بعضی از مناطق، زنان مراســـمی را به اسم سفره حضرت ابوالفضل(ع) برای اجرای برنامه‌هایی به عنوان جشن عروسی حضرت فاطمه(س) برگزار می‌کنند و در آن شعرهای عروسی خوانده و کف می‌زنند و سپس شروع به رقص می‌کنند، انجام این امور چه حکمی دارد؟**

ج): برگزاری این جشن‌ها و مراسم اگر همراه با ذکر اکاذیب و مطالب باطل نبوده و موجب وهن مذهب نشـــود، فی‌نفسه اشکال ندارد و اما رقص، حکم آن در مسئله ۱۱۶۷ اجوبه الاستفتائات بیان شده است.

**اجوبه الاستفتائات، سوال ۱۴۵۲**

### رقص و مجالس رقص

**س): آیا رقص محلی در عروسی‌ها جایز است؟ شرکت در این مجالس چه حکمی دارد؟**

ج): رقص مرد بنا بر احتیاط واجب حرام اســـت و رقص زن برای زنان اگر عنوان لهو بر آن صدق کند، مثل اینکه جلســـه زنانه تبدیل به مجلس رقص شود، محل اشکال است و احتیاط واجب در ترک آن اســـت؛ در غیر این صورت هم اگر به گونه‌ای باشـــد که باعث تحریک شهوت شده و یا مفسده‌ای بر آن مترتب شود و یا همراه با فعل حرام (مانند موسیقی و آواز حرام) باشد یا مرد نامحرمی حضور داشته باشد، حرام اســـت؛ و در حکم فوق تفاوتی بین مجلس عروســـی و غیر آن نیســـت و شـــرکت در مجالس رقص هم اگر به عنوان تأیید کار حرام دیگران محسوب شود و یا مستلزم کار حرامی باشد جایز نیست و در غیر این صورت اشکال ندارد.

**اجوبه الاستفتائات، سوال ۱۱۶۷**

# محبوب‌ترین کارها در پیشگاه خدا

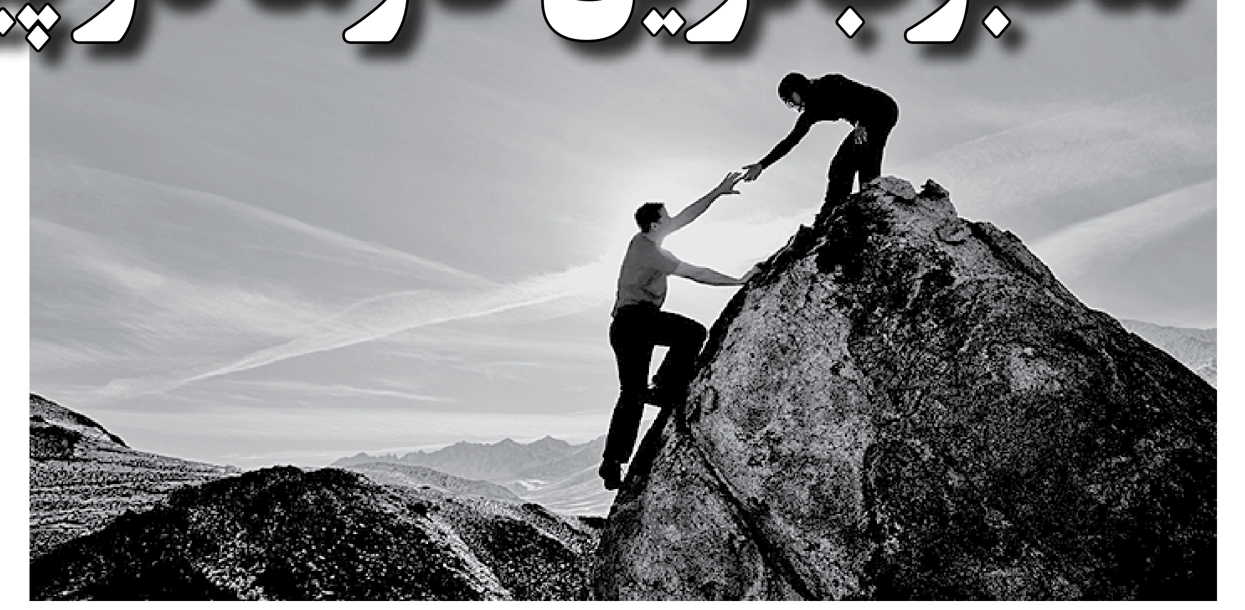

**در آیات و روایات مصادیقی از محبوب‌ترین کارها در پیشگاه خداوند مطرح شـــده اســـت که در مطلب پیش رو برخی از آنها بررسی شده است.**

***

### از تقوا تا اعمال اجتماعی

هر کســـی دوست دارد محبوب خدا شود؛ برای رسیدن به محبوبیت باید کاری کرد که خداوند آن را دوســـت می‌دارد تا این‌گونه خودش نیز محبوب خدا شـــود. کسی که محبوب خدا شد همه چیز را دارا می‌شود؛ زیرا خداوند همه چیز را به محبوبان خویش ارزانی می‌دارد.

همچنین از آنجا که دنیاگرایی برای آدمی بدترین ســـم و زهر مهلک است؛ خداوند نیز محبت دنیا را از دل چنین بنده محبوبی بیرون می‌برد و محبت خودش را جانشین آن می‌کند. پیامبر(ص) می‌فرماید: اذا أحب الله عبدا حماه الدنیا کما یظل أحدکم یحمی سقیمه‌الماء؛ وقتی خداوند بنده‌ای را دوست دارد ، دنیا را از او منع می‌کند چنانکه شما مریض خویش را از نوشیدن آب منع می‌کنید. (نهج‌الفصاحه ص ۱۷۹، ح ۱۳۷)

### اعمال محبوب بنده نزد خدا

**۱. تقوای الهی:** شـــکی نیست که اعمال انسانی چیزی محبوب‌تر از تقوای الهی نیست؛ زیرا با آنکه هدف آفرینش عبادت قرار داده شده (ذاریات، آیه ۵۶) اما این یک هدف ابتدایی به منظور دستیابی به تقوا است که در آیات قرآن از جمله آیات ۲۱ و ۱۷۹ و ۱۸۳ سوره بقره بیان شده است. از آیات قرآن از جمله آیه ۹۹ سوره حجر نیز این معنا اثبات می‌شود که این تقوایی که با عبادت به دست می‌آید موجب رسیدن به مقام یقین می‌شود؛ چنانکه خداوند به‌صراحت در آیه ۲۸۲ سوره بقره بیان کرده که با تقوای الهی تعلیم الهی انجام می‌گیرد و انسان به علم لدنی دست می‌یابد که این علم لدنی همان علم شهودی است که انسان حقایق را همان طوری که در هســـتی است می‌بیند و به مقام رویت و شهود حقایق می‌رسد که در آیات ۹۵ سوره واقعه و ۵ و ۷ سوره تکاثر به آن‌اشاره شده است.

پس بهترین و محبوب‌ترین کارها را باید کارهایی دانست که موجب تقوای الهی می‌شود و کسی که به مقام متقین برسد به همه چیز دست می‌یابـــد. از این رو پیامبر(ص) می‌فرماید: أَحَبُّ الْعِبَـــادِ إِلَی اللهِ الأَتْقِیَاءُ الأَخْفِیَـــاء؛ محبوب‌تریـــن بندگان در پیش خدا تقواپیشـــگان گمنامند. (مجموعه ورام ج ۱، ص ۵)

اینکه در این حدیث تاکید بر تقوای نهان شده است، به معنای آن است که تقوای الهی که در قالب عبادت به دست می‌آید می‌تواند به دو دسته عبادت‌های آشکار و نهان تقسیم شود؛ ولی کسی که در نهان عبادت‌های خاص مثل نماز شب و تضرع و انابه شبانه داشته باشد، محبوب‌تر است.

البته تقوای الهی اصولا خوف از خدا در نهان و آشکار است؛ زیرا تقوای الهی یعنی گرفتن سپر از خشم و عذاب الهی؛ پس کسی که وقایه می‌گیرد خود را از هر چیزی که موجبات غضب الهی است، دور نگه می‌دارد. در حقیقت مفهوم پرهیزکاری لازمه مفهوم تقوا و وقایه گرفتن است، نه عین معنا و مفهوم آن.

به هر حال، تقوای الهی در نهان و آشکار اصلی است که موجب محبوب شخص نزد خداوند می‌شود. البته کسانی که خوف و وقایه نهانی دارند و عبادت نهانی به جا می‌آورند، محبوب‌ترین‌ها هستند؛ زیرا کارهایی را که محبوبیت بیشتری در نزد خدا دارد انجام می‌دهند.

**۲. برگزاری نمازها در اول وقت:** از دیگر اعمال و کارهایی که محبوب پیشـــگاه خداوند است؛ نماز در اوقات پنج گانه آن است. در روایات آمده که هر کســـی بخواهد به برکت و استجابت دعایی برسد، نماز اول وقت خودش را ترک نکند. امام رضا(ع)درباره ارزش نماز در پیشـــگاه خداوند می‌فرماید: أوّلُ ما یُحاسَـــبُ الْعَبْدُ عَلَیْهِ، الصّلاةُ فَإنْ صَحّتْ لَهُ الصّلاةُ صَحّ ماسِـــواها، وَ إنْ رُدّتْ رُدّ ماسِواها؛ اوّلین عملی که از انسان مورد محاسبه و بررســـی قرار می‌گیرد نماز است، چنانچه صحیح و مقبول واقع شود، بقیـــه اعمال و عبادات نیـــز قبول می گردد وگرنه مردود خواهد شـــد. (مســـتدرک الوســـائل: ج ۳، ص ۲۵، ح ۴) همچنین آن حضرت درباره نقش این عبادت در ایجاد تقرب به خداوند و دســـتیابی به تقرب تقوایی که هر متقی دنبال آن است، می‌فرماید: الصّلاةُ قُرْبانُ کُلِّ تَقیّ؛ نماز، هر شخص باتقوا و پرهیزکاری را – به خداوند متعال – نزدیک‌کننده است. (وســـائل الشّیعه: ج ۴، ص ۴۳، ح ۴۴۶۹) از جهت ارزش و اهمیت نماز در دستیابی انسان به تقرب و تقوا است که امام رضا(ع) می‌فرماید: یُؤْخَذُ الْغُلامُ بِالصّلاةِ وَ هُوَ ابْنُ سَـــبْعِ سِنینَ؛ پسران باید در سنین هفت سالگی به نماز وادار شوند.(وسائل‌الشّیعه: ج ۲۱، ص ۴۶۰، ح ۲۷۵۸۰)

**۳. نیکی به پدر و مادر:** دیگر چیزی که بهترین کارها و محبوب‌ترین اعمال در نزد خدا است، نیکی به پدر و مادر است. خداوند در آیات چندی از جمله آیه ۸۳ سوره بقره و ۳۶ سوره نساء و ۱۵۱ سوره انعام و ۲۳ سوره انعام به این مطلب سفارش و تاکید کرده است.

**۴. جهاد در راه خدا:** جهاد از دیگر اعمال محبوب نزد خداوند است که برای دفاع از دین و مسلمانان و مومنان انجام می‌گیرد و آیات بسیاری درباره جهاد نظامی با اموال و انفس در قرآن بیان شده است.

پیامبر گرامی اسلام (ص) در این باره فرموده است: احب الاعمال الی الله الصلاة لوقتها ثم بر الوالدین ثم‌الجهاد فی سبیل‌الله؛ بهترین کارها در نزد خدا نماز به وقت است ، آنگاه نیکی به پدر و مادر ، آنگاه جنگ در راه خدا. (نهج‌الفصاحه ص۱۶۷، ح ۷۰)

اینها نمونه‌ها و مصادیقی از اعمالی است که محبوب خداوند است و شخصی که به این کارها می‌پردازد محبوب و حبیب خدا می‌شود. البته نباید تنها به این موارد بســـنده کرد، بلکه در روایات از پیامبر(ص) موارد و مصادیق دیگری مطرح شده که در اینجا به آنها نیزاشاره می‌شود. این موارد بیشتر جنبه اجتماعی دارد.

### کارهای اجتماعی پسندیده

کسب محبت خدا به معنای رسیدن به مقام رضایی است که خداوند در آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره فجر از آنان به عنوان نفس مطمئن یاد می‌کند که در مقام قرب در جنت صفات و ذات وارد می‌شود و در جایگاه راضیه مرضیه می‌نشینند.

**با نگاهی به سنت و ســـیره گفتاری و رفتاری پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) می‌توان دریافت که رســـیدگی به امور مردم به‌ویژه نیازمنـــدان از مهم‌ترین عوامل محبوبیت‌ساز در پیشگاه خداوند اســـت و آن بزرگواران خود پیشـــگام در این امور بودند.**

بر اساس آیات ۳۱ و ۳۲ سوره آل عمران و آیات ۵۹ سوره نساء و ۵۵ سوره مائده و ۷ سوره حشر و مانند آنها، این محبوبیت با اطاعت و پیروی پیامبر(ص) و عترت طاهره(ع) به دست می‌آید. پس هر کسی محبوبیت خداوند می‌خواهد باید محبوبیت حبیب خدا حضرت رسول خدا(ص) را به دست آورد. این محبوبیت با پیروی و اطاعت از سنت و سیره ایشان و عترت طاهره به دست می‌آید.

با نگاهی به سنت و سیره گفتاری و رفتاری آنان می‌توان دریافت که رسیدگی به امور مردم بویژه نیازمندان از مهم‌ترین عوامل محبوبیت ساز در پیشـــگاه خداوند است؛ از این رو پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) خود پیشگام در این امور بودند.

برای محبوب آنچه مهم است، کمیت عمل نیست، بلکه کیفیت عمل است که چه میزان از خلوص و صداقت برخوردار است. هر چه کاری از نظر خلوص در درجه بالاتری باشد و کسی غیر از محبوب در نظر عامل نباشد، آن عمـــل محبوب‌تر خواهد بود و خداوند عمل را می‌پذیرد. این خلوص در قالب صداقت و ترک ریا و شرک و تقوای الهی خود را نشان می‌دهد.

خداوند می‌فرماید: إِنّمَا یَتَقَبّلُ اللهُ مِنَ‌الْمُتّقِینَ؛ خداوند جز از متقین قبول نمی‌کند. (مائده، آیه ۲۷)

از همیـــن رو پیامبر(ص) می‌فرماید: احبّ الاعمال الی‌الله أدومها و ان قلّ؛ محبوب‌ترین کارها در پیش خدا کاری است که دوام آن بیشتر است، اگر چه اندک باشد. (نهج‌الفصاحه، ص ۱۶۷، ح ۷۳)

محبوب‌ترین کارها در پیشـــگاه خداوند از نظر پیامبر(ص) ســـه کار اجتماعی اســـت که ایشان فرموده است: أحبّ الأعمال إلی الله من أطعم مـــن جوع أو دفع عنه مغرما أو کشـــف عنه کربا؛ بهترین کارها در پیش خدا آن است که (بینوایی را) سیر کنند، یا زیان زیانکار و ورشکسته‌ای را بپردازند یا بلا و زحمتی را از او دفع کنند. (نهج‌الفصاحه، ص ۱۶۸، ح ۷۶)

بر اساس این روایت و روایات دیگر از پیامبر(ص) کارهای محبوب در پیشگاه خدا عبارتند از:

**۱. اطعام گرسنه:** براساس آیات قرآن خوشبختی به آرامش و آسایش اســـت. خداوند به قریش می‌گوید که شـــما از امنیت جانی و روانی و نیز امنیت غذایی برخوردار شدید؛ زیرا خداوند به شما عنایت داشته است و از همین رو شما گرفتار جوع و گرسنگی و ناامنی نیستید. (سوره قریش) همچنیـــن خداوند در آیات قرآن از جمله در ســـوره بلد می‌فرماید: و تو چه دانی که گردنه و گذرگاه ســـخت چیســـت ؟ آزادی برده‌ای یا طعام دادن در روز گرســـنگی و قحطی. (بلد، آیات ۱۲ و ۱۴) پس برای رهایی از گرفتـــاری عبور از گردنه‌های روز قیامت باید از همینجا(ســـرای دنیا) آماده شد و بهترین ابزار آمادگی ،اطعام دادن گرسنه است؛ زیرا این امور نزد خداوند محبوب است و خدا انجام دهنده کار محبوب را نیز محبوب داشـــته و او را با عمل و نیت خیرش بالا می‌برد. (فاطر، آیه ۱۰) البته در اطعام بهتر است که گروه بیشتری در آن شرکت کنند و از اطعام بهره‌مند شوند. پیامبر(ص) می‌فرماید: أَحَبُّ الطّعَامِ إِلَی‌الله مَا کَثُرَتْ عَلَیْهِ الأَیْدِی؛ بهترین غذاها در پیش خدا آن اســـت که گروهی بســـیار بر آن بنشیند. (نهج‌الفصاحه ص ۱۶۹ ، ح ۸۲)

**۲. کمک ورشکســـته زیانکار و پرداخت بدهکاری و قرض او :** خداوند پرداخت قرض‌الحسنه را معامله با خود دانسته و می‌فرماید:کیست کـــه به خدا قرض‌الحســـنه دهد ، تا خدا بر آن چنـــد برابر بیفزاید؟ خدا تنگدســـتی دهد و توانگری بخشد و شما به سوی او باز می‌گردید. (بقره، آیه ۲۴۵) و نیز می‌فرماید: کیســـت که خدا را قرض‌الحسنه دهد تا برای او دوچندانـــش کند و مزدی کریمانه نیکـــو یابد ؟ (حدید، آیه ۱۱) پس وام دادن امر بســـیار خوبی اســـت؛ حال اگر کسی زیانی کرده و ناتوان از پرداخت است کمک کردن به این ورشکسته و زیان خورده بسیار مهم و ارزشی به‌شمار می‌رود.

**۳. برداشـــتن بلا و زحمت:** از دیگـــر کارهایی که محبوب خداوند است و شخص را حبیب خداوند می‌کند، برداشتن بلا و مصیبت و زحمت از دوش گرفتاران اســـت. اگر کســـی مصیبتی را از کسی بردارد و او را از ناراحتی و بلایی نجات دهد، محبوب خداوند می‌شود. همه این اعمال که در این روایت به عنوان اعمال محبوب پیشگاه خداوند مطرح شده، کارهای اجتماعی است. در حقیقت اعمال اجتماعی، بیشتر از اعمال عبادی دیگر محبوب خدا است.

**۴. حفظ زبان:** از دیگر اعمالی که محبوب خدا است، حفظ زبان است و اینکه هر سخنی نگوید که موجب اذیت و آزار دیگران شود. پیامبر(ص) می‌فرماید : احب الاعمال الی‌الله حفظ اللسان؛ بهترین کارها در پیش خدا نگهداری زبان است.(نهج‌الفصاحه ص ۱۶۸ ، ح ۷۸)

**بهترین و محبوب‌ترین کارها کارهایی است که موجب تقوای الهی می‌شود و کسی که به مقام متقین برسد به همه چیز دست می‌یابد.**

**۵.حق گویی در برابر حاکم ظالم** : جهاد در راه خدا بسیار ارزشمند است. یکی از شیوه‌های جهاد جنگ نرم است. به این معنا که مجاهد برای حق خواهی و حق طلبی در برابر حاکم ظالم قرار گیرد و ســـخن حقی را بگوید و به دفاع از مظلومی بپردازد و استیفای حقی کند. پیامبر(ص) می‌فرماید: أحبّ الجهاد إلی الله کلمه حقّ تقال لإمام جائر؛ بهترین جهادها در پیش خدا سخن حقی است که به پیشوای ستمکار گویند.(نهج‌الفصاحه ص ۱۶۸ ، ح ۸۰)

**۶. اسب سواری و تیراندازی:** اصولا لهو کار خوبی نیست؛ زیرا وقت گذرانی است؛ اما اگر کسی بخواهد وقت بگذراند و تفریحی داشته باشد، بهترین و محبوب‌ترین وقت گذرانی و تفریح همان اســـب سواری یعنی سوارکاری و تیراندازی است؛ زیرا ابزار آمادگی جنگی است. این بدان معنا خواهد بود که هر کاری که در جنگ به درد می‌خورد می‌تواند به عنوان محبوب‌ترین تفریحات مطرح شود؛ در جهان امروز جنگ نرم و بازی‌های رایانه‌ای که به شخص آموزش جنگ و رانندگی و مدیریت تفنگ و سلاح می‌دهد یک تفریح محبوب نزد خدا اســـت. پیامبر(ص) می‌فرماید: احب اللهو الی‌الله تعالی إجراء الخیل و الرمی؛ بهترین بازی‌ها در پیش خدا اسب دوانی و تیراندازی است. (نهج‌الفصاحه ص ۱۶۹، ح ۸۳)

**۷. سودمندترین به بندگان:** پیامبر(ص) می‌فرماید: أَحَبُّ عِبَادِ اللهِ إِلَی اللهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِه؛آن کس پیش خدا محبوب‌تر است که برای بندگان سودمندتر است.(تحف العقول ص ۴۹ – نهج‌الفصاحه ص ۱۶۹، ح ۸۶)

**۸. آسان گیری در خرید و فروش:** همچنین پیامبر(ص می‌فرماید: احبّ الله تعالی عبدا سمحا اذا باع وسمحا اذااشتری و سمحا اذا قضی و سمحا اذا اقتضـــی؛ خداوند بنده‌ای را که به هنگام خرید و هنگام فروش و هنگام دریافت و گرفتن آسان‌گیر است دوست دارد. (نهج‌الفصاحه ص ۱۶۹، ح ۸۵)

**۹. دانشجویی:** اسلام دانشجویی را بسیار تشویق می‌کنـــد؛ زیرا عقل و علم وقتی در کنار هم قرار گیرد انســـان کاری را انجام می‌دهد که مطلوب الهی و محبوب خداوندی است؛ زیرا عقل به اموری چون دینداری، اخلاق و حیا و کارهای نیک فرمان می‌دهد و بی‌خردان و سفیهان هستند که از دین و کارهای نیک و اخلاقی‌گریزان هســـتند؛ البته انسان عاقل نیازمند دانش و علمی است که بدان راه خود را بشناسد و چراغی داشته باشد که در بیراهه نیفتد. این نور دانش است که او را از جهالت بیرون می‌آورد، چنانکه عقل، او را از جهالت و سفاهت بیرون می‌کشد. پیامبر مکرم (ص) درباره ارزش علم و عقل می‌فرماید: لَا فَقْرَ أَشَدّ مِنَ الْجَهْلِ وَ لَا مَالَ أَعْوَدُ مِنَ الْعَقْلِ؛ هیچ تهیدستی سخت‌تر از نادانی و هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست. (کافی، ط-الاسلامیه، ج ۱ ، ص ۲۵ و ۲۶ ، ح ۲۵؛ محاسن الاخلاق، ص ۱۷؛ تحف العقول ص۶) از این رو یکی از مهم‌ترین اعمال محبوب خداوند دانشجویی و طلب علم است. پیامبر مکرم و معظم اسلام (ص) می‌فرماید: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِیضَهٌ عَلَی کُلِّ مُسْلِم أَلَا إِنّ اللهَ یُحِبّ بُغَاهَ الْعِلْمِ؛ طلب علم بر هر مسلمانی بسیار واجب است، همانا خدا جویندگان علم را دوست دارد.(کافی، ط-الاسلامیه، ج ۱، ص ۳۰، ح ۱)

آنچه گفته شد تنها بخشی از مصادیق کارهای محبوب در نزد خداست و یقینا در احادیث، مصادیق دیگری بیان شده که علاقمندان می‌توانند به کتاب‌های روایی مراجعه کنند.

**برای محبوب آنچه مهم اســـت، کمیت عمل نیســـت، بلکه کیفیت عمل اســـت که چه میـــزان از خلوص و صداقت برخوردار اســـت. هر چه کاری از نظر خلوص در درجه بالاتری باشـــد و کسی غیر از محبوب در نظر عامل نباشـــد، آن عمل محبوب‌تر خواهد بود و خداوند عمـــل را می‌پذیرد. این خلوص در قالب صداقت و ترک ریا و شرک و تقوای الهی خود را نشان می‌دهد.**

# آب حیات در تاریکی شب است

بزرگان معرفت گفته‌اند اگر کســـی می‌خواهد اهل سلوک و نورانیت باشد، بر سه امر باید دقت کند:

**۱- رعایت واجبات و محرمات؛**

ایـــن کلاس اول اســـت و قبل از آن، کودکســـتان و دوران کاغذ پاره کردن است!

**۲- رسیدگی به فقرا و گرفتاران؛**

قضای حاجت مومن رمزی بزرگ از رموز و اسرار جلب عنایات خاصه خداوندی است.

حضرت موسی به خداوند عرض کرد: خدایا تو خدا هستی و من بنده، تو بهتر و بیشتر از من می‌دانی و علم من قابل قیاس با علم تو نیست؛ اگر تو جای من بودی در دنیا چه کار می‌کردی؟

خداوند فرمود: من اگر جای تو بودم به بندگان خدای خودم خدمت می‌کردم.

مرحـــوم نـــوری صاحب مســـتدرک می‌گوید: زیـــارت حضرت اباعبدالله‌الحســـین(ع) بر تمام حسنات فائق است جز قضای حاجت مومن.

**۳- توجه به خصوصیت اوقات؛**

از سید بن طاووس نقل است که فرمود: ان لاوقات القبول عند الله عزوجل اســـرارا لا یدرک الا بالماثور؛ یعنی اوقاتی که در آن درهای اجابت و قبول باز می‌شود اسراری در نزد خدا دارد، این اسرار جز از طریق معصوم قابل درک نیست.

از محی‌الدین ابن عربی هم نقل اســـت که فرمود: المناسبات الزمانیه هی من ام‌المناسبات؛ یعنی تاثیر خصوصیت زمان بر حالات روحی انسان و بر واردات قلبی او از اساسی‌ترین تاثیرات است.

یعنی ســـالک باید در لحاظ کردن خصوصیات زمان دقیق باشد مثل ماه رمضان، شـــب قدر، نیمه شـــعبان، ایام تشریق، شب ۲۷ رجب، شب عیدین، دهه اول ذی‌الحجه و...

### شب؛ زمان عبور قافله فیض

از قرآن هم معلوم می‌شود که زمان‌ها از حیث تاثیر و برکت و میمنت مساوی نیست، قرآن در شب نازل شده است، پیامبر شب به معراج رفته است، شـــب قید برکت خورده است: (انا انزلناه فی لیلة مبارکه) و مدال «اشد وطئا و اقوم قیلا» به شب داده شده است: (ان ناشئه اللیل هی اشد وطئا و اقوم قیلا) و ســـوال «ما ادراک» از طرف خداوند در میان ازمنه و اوقات فقط در حق شب به کار گرفته شده است و گفته شده: و ما ادراک ما لیلة‌القدر این ســـوال را خداوند فقط در خصوص قیامت و شب قدر به کار برده است یعنی در آن شب، قیامتی از عنایت برپاست.

حاصل اینکه شب و روز برای سالک سبیل حق و موفقیت و اهل فتح و ظفر شدن او (شیعتنا اهل الفتح و الظفر) مساوی نیست، به همین جهت خداوند در حدیث قدســـی فرمود: اللیل لی! یعنی شب برای من است؛ از این جمله معلوم می‌شود که شب در تحصیل کمالات، حسابی دیگر دارد.

**شـــب و روز برای سالک ســـبیل حق و موفقیت و اهل فتح و ظفر شدن او (شیعتنا اهل الفتح و الظفر) مساوی نیســـت، به همین جهت خداوند در حدیث قدسی فرمود: اللیل لی! یعنی شب برای من است؛ از این جمله معلوم می‌شـــود که شب در تحصیل کمالات، حسابی دیگر دارد.**

**حضرت موســـی به خداوند عرض کرد: خدایا تو خدا هســـتی و من بنده، تو بهتر و بیشـــتر از من می‌دانی و علم من قابل قیاس با علم تو نیســـت؛ اگر تو جای من بـــودی در دنیا چه کار می‌کردی؟ خداوند فرمود: مـــن اگر جای تو بودم به بندگان خدای خودم خدمت می‌کردم.**

استاد ما حضرت آیت‌الله انصاری شیرازی می‌فرمود: آب حیات در تاریکی شب است و شاعر چه نیکو سروده که:

مرو به خواب که فیض، قافله‌ای اســـت که از کمینگه شـــب‌های تار می‌گذرد

و سخن نهایی را امام حسن عسکری(ع) فرموده که هر کس شب را مرکب خود نکند به ساحت قدسی حق نخواهد رسید: اِنّ الوُصُولَ اِلَی اللهِ عَزّوَجَلّ سَفَرٌ لا یُدرَکُ اِلّا بِامتِطاءِ اللّیلِ(بحارالانوار، ج ۷۸، ص۳۷۹)

گاهی شب‌هنگام، بچه مریض می‌شود و پدر باید او را به بیمارستان برساند، این ظاهر قضیه است اما در واقع بچه را مریض کرده‌اند تا پدر توفیق عرض اسرار بر صاحب اسرار نداشته باشد، چنین پدری باید در کار خود اندیشـــه کند، همچنان که امام سجاد(ع) در دعای ابوحمزه فرمود: الهی مَا لِی کُلّمَا قُلْتُ قَدْ صَلَحَتْ سَـــرِیرَتِی وَ قَرُبَ مِنْ مَجَالِسِ التّوّابِینَ مَجْلِسِـــی عَرَضَتْ لِی بَلِیَهٌ أَزَالَـــتْ قَدَمِی وَ حَالَتْ بَیْنِی وَ بَیْنَ خِدْمَتِکَ سَیّدِی

یعنی هرگاه گفتم نهانم شایسته شد و جایگاهم به جایگاه توبه‌کنندگان نزدیک گشت، برایم گرفتاری پیش آمد، بر اثر آن گرفتاری پایم لغزید و میان من و خدمت به تو مانع شد.

کانال رسمی آیت‌الله سید حسن عاملی
https://telegram.me/seyed_hasan_ameli

## چراغ راه

### تقوا و خوش‌اخلاقی ضمانت ورود به بهشت

**ســـئل رســـول‌الله (ص) عن اکثر ما یدخل بـــه الجنه؟**
**قال: «تقوی الله و حسن‌الخلق»**

از پیامبر گرامی اسلام (ص) پرسیدند: بیشترین چیزی که موجب ورود به بهشت می‌گردد چیست؟ حضرت فرمود: تقوای الهی و خوش اخلاقی. (۱)

۱- عیون اخبارالرضا (ع)، ج۲، ص ۳۸

## حکایت خوبان

### فروتنی در راه رفتن

پیامبر گرامی اسلام به تبعیت از آیه شریفه «و عبادالرحمن الذین یمشـــون علی‌الارض هونا» بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هســـتند که با آرامش و بی‌تکبر بر زمیـــن راه می‌روند. (فرقان- ۶۳) همیشه هنگام راه رفتن، خاضعانه و فروتنانه راه می‌رفت و به هیچ وجه تکبر و فخرفروشـــی نمی‌کرد. حتی هنگامی که با اصحاب خود عازم جایی بودند، و با هم راه می‌رفتند. گاهی دســـتور می‌داد که اصحاب جلوتر بروند و او پشت سر آنان حرکت می‌کرد، و گاهی داخل جمعیت راه می‌رفت، و گاهی بدون عمامه و رداء تشییع جنازه می‌کرد. [1]

از دو تن از صحابه یعنی ابی‌درداء و ابی امامه نقل شده است که پیامبر به ســـوی بقیع حرکت کرد و اصحاب آن حضرت پشت سر او حرکت کردند، پیامبر(ص) ایستاد و فرمود: شما بروید و سپس خود آن حضرت پشت سر آنان حرکت کرد، پرسیدند چرا؟ حضرت فرمود: «من صدای کفش شما را شنیدم و ترسیدم چیزی از تکبر به وجودم راه یابد» [2]

۱- مناقب آل‌ابی‌طالب، ج۱، ص۱۴۶
۲- بحارالانوار، ج۷۳، ص۲۰۶

## پرسش و پاسخ

### ملاک‌های دوستی و آثار آن(۲)

**پرسش:**

**به طور کلی برای برقراری رفاقت و دوستی چه ملاک‌هایی وجود دارد و آثار هر کدام در دنیا و آخرت چگونه است؟**

**پاسخ:** به طور کلی برای برقراری رفاقت و دوستی دو ملاک کلی مادیات و معنویات وجود دارد که براســـاس آنها انواع دوســـتی‌ها شکل می‌گیرد.

#### انواع دوستی

**دسته اول**، پیوندهای رفاقتی که در دنیا بر محور معنویت شکل می‌گیرد، در قیامت مشـــکلی ایجاد نمی‌کند. بلکه باقی می‌ماند و بعد هم کارساز است. کارســـازی‌اش نیز، مسئله شفاعت و دست‌گیری است. این رفاقت برای آن‌ها مشـــکل ساز نیســـت. ما در معارفمان داریم که مؤمنین بعضی، بعضی دیگر را شـــفاعت می‌کنند. این جزء معارف دین ما اســـت. مؤمن از مؤمن شفاعت می‌کند. این مسئله مربوط به مؤمن‌هایی است که بر محور ایمانی با یکدیگر رابطه داشتند، نه مادیات.

**دسته دوم**، در مقابل گروه اول هستند که اصلاً رفاقت و دوستی‌شان فقط بر محور مادیت بود. تکلیف این رفاقت‌ها هم در اینجا معلوم است. یعنی هم در دنیا و هم در آخرت رفاقتشان تبدیل به دشمنی می‌گردد.

**دسته سوم**، ممکن است که یک طرف رفاقت قصدش امور مادی باشد و طرف دیگر جهت معنوی داشته باشد. این رفاقت اصلاً در دنیا باقی نمی‌ماند که بخواهد به قیامت برسد. این‌ها به یک جایی می‌رسند که دیگر نمی‌توانند ادامه بدهند. همین‌جا، رفاقتشان را به هم می‌زنند و از یکدیگر جدا می‌شوند. به قیامت نمی‌رسد.

#### گسست دوستی‌های مادی محور

مـــا از بعضی از آثار و روایات به دســـت می‌آوریـــم که رفاقت‌هایی که بر محور معنویت نیســـت، و فقط مادیت در آنها مطرح است، این‌طور نیست که فقط در آخرت تبدیل به دشـــمنی شـــود و در آن‌جا پشیمان شوند. گاهی در دنیا گسسته شـــده و به دشمنی تبدیل می‌گردد. این مطلبی است که دیگر برای شـــما مشهود و آشکار است، احتیاج به توضیح ندارد. شما این مسائل را به خوبی درک می‌کنید.

دلیل این مطلب چیست؟ در اینجا به یک نکته اشاره می‌کنیم که وجهه و جنبه کلامی وفلسفی دارد، ولی خوب و مفید است. «ماده» محدود است امّا معنویت نامحدود است. اگر «ماده» محور دوستی قرار بگیرد، رفاقت بر محور انتفاع‌ها و منفعت‌ها پایدار نمی‌ماند. یعنی تا وقتی که از رفیق سود برده شود، رفاقت پابرجا اســـت. آن‌چه مطرح است سودبری است. آن‌چه مهم است این است که نیازها و توقعات انسان هم نامحدود است. لذا اگر محور رفاقت مادی باشـــد، چون ماده محدود بوده و توقع انسان هم نامحدود است، حالا باید دو طرف با یکدیگر نزاع کنند تا به منافعشان برسند.

اینکه در فلســـفه می‌گویند: دنیا دار تزاحم اســـت، یعنی سرای مزاحمت است. یعنی چون ماده محدود است، تزاحم و نزاع پیش می‌آید. بعد هم همین رفاقت به جایی می‌رســـد که دعوا می‌شود. یا بر سر ریاست، یا مال یا هر چه می‌خواهد باشد، می‌بینی سال‌ها دستشان در دست هم بود، امّا یک مرتبه با هم اختلاف پیدا کردند! این‌ها رفیق صمیمی بودند، حالا دشمن خونی شدند! چه شد که این‌طور شد؟ جواب، روشن است. محور رفاقتشان پول بود، ریاست بود، «المُلکُ عَقیمٌ» اینها سر پول، ریاست و امثال این‌ها که امور مادی است، دعوایشان می‌شود و دشمن خونی می‌شوند. دلیلش این است که این رفاقت، بر محور توحید و یکتاپرستی نبود، بر محور مادیت و دنیاپرستی بود.

#### دوستی‌هایی همراه با پشیمانی

مـــا روایتی از علی(ع) داریم که امام صادق(ع) در ادامه روایت قبلی آن را نقل می‌کند که امیرالمومنین فرمودند: «لِلأخِلّاءِ نَدامَة» انسان به هر شکل که با کسی دوستی کند، پشیمان می‌شود، «اِلا المُتّقین» مگر متقین. در این‌جا مطلب را به طور کلی بیان می‌فرمایند. در روایت حرفی از آخرت نیامده است. در آن روایت «روز قیامت» داشـــت، امّا این‌جا بحث قیامت مطرح نیست. به اصطلاح روایت اطلاق دارد. هر دوستی و مرافقتی، پایانش پشیمانی است، چه در دنیا و چه در آخرت؛ مطلب کاملاً روشن و ساده است. دوستان، آخرش همه پشیمان‌اند، مگر چه کسانی؟ آن کسی که محور دوستی‌شان خداپرستی بود.

#### دوستی منتهی به دشمنی

اینکه در آیه شریفه داشت، دوستی‌ها به دشمنی تبدیل می‌شود، جهتش این است که این‌گونه دوستی‌ها ریشه در خودخواهی دارد و خودخواهی ریشه کثرت و اختلاف و نزاع می‌شـــود و نمی شود دو آدم خودخواه تا آخر دوست باشند و دوستی شان پایدار بماند. اینها مشهود است و واقعاً انسان می‌بیند که چه‌طور کسانی که بر محور امور دنیایی با هم رفاقت کردند، رفاقتشان پایدار نمی‌ماند و بعضاً به دشمنی و کینه‌توزی هم منجر می‌شود. سرّ آن را هم گفتیم که چیست. اگر محور دوستی امور مادی بود، ماده محدود است و هر دو نفر هم نفع خودشان را در نظر گرفته‌اند، لذا تزاحم پیش می‌آید و آخر تزاحم چیست؟ دشمنی و رو در روی هم ایستادن. گفتم فرقی نمی‌کند که چه باشد، مال باشد، ریاست باشد یا چیز دیگر. همین که محور الهی نباشد، مشکل ساز است. خودمان هم داریم می‌بینیم و در متن جامعه ما نیز فراوان است، در هر دو رابطه مصادیق فراوانی وجود دارد، چه ریاســـت، چه مالش. دلیل تبدیل دوستی به دشمنی چیست؟ چون خدا نیست. چون دوستی «فی غیر الله» است.

امام خمینی(ره) می‌فرمود: «اگر تمام انبیاء را جمع کنند، ـ می‌شود یک شهر صد و بیست و چهار هزار نفری-اصلاً و ابداً یک دعوا، یک دادگستری در این شـــهر نمی‌بینید.» خیلی زیبا تبیین می‌فرماید. همه با هم رفیق هستند. اما نزاع و درگیری نیست. چرا؟ جهت این است که محور رابطه آنها خدا است. محور خدا است نه دنیا. دعوا جایی است که محور دنیا باشد. درگیری از اینجاها شروع می‌شود.

**ادامه دارد**